



روش مطالعه: این مطالعه بصورت نیمه تجربی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان پزشکی در بخش روان پزشکی دانشگاه ارتش در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت. در مرحله اول دانشجویان به صورت تصادفی و در مرحله دوم بصورت Random Sampling Stratified، در گروه‌های ۵ نفره تقسیم شدند. در هر مرحله اساتید ثابت بوده و سرفصل‌های آموزشی هم سطح انتخاب شد. ارزیابی دانشجویان توسط آزمون Post test-Pretest صورت گرفته و نتایج با نرم‌افزار SPSS و تست آماری t زوج و مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در مقایسه ضریب سختی و حجم مطالب آموزشی در دو مرحله از نظر دانشجویان تفاوت آماری معناداری دیده نشد ($P < 0.05$). از سویی مقایسه میانگین نتایج آزمون قبل در دو مرحله آموزش نیز تفاوت آماری معناداری ندارد ($P > 0.05$). مقایسه آزمون بعد در دو مرحله آموزش با نتایج آزمون قبل تفاوت آماری معناداری نشان داد ($P = 0.00$). مقایسه نتایج آزمون بعد در مرحله اول آموزشی با مرحله دوم آموزشی تفاوت آماری معناداری را نشان می‌دهد ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری: کارآمدتر کردن روش‌های آموزشی همواره مورد توجه مدیران آموزشی بوده است. این تحقیق نشان می‌دهد حضور دانشجویان فعال آموزشی در کنار دانشجویان ضعیف‌تر می‌تواند در روند یادگیری آنها مؤثر باشد. اساتید می‌توانند با مداخله و همسان سازی گروه‌های کوچک در روش PBL باعث کارآمدتر نمودن آن شوند.

کد مقاله: ۵۲۴۵

تعیین میزان گرایش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان به تحقیق و پژوهش و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۸۷

نویسندگان: نفیسه ملک‌مطیعی، نوید دانایی، پویا فرهادی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی سمنان

مقدمه: در دنیای امروز بر هیچ کس پوشیده نیست که تحقیق و پژوهش یکی از ضروریات زندگی است. لذا توقع این است که در محیط‌های علمی به ویژه دانشگاه‌ها دانشجویان پژوهش را به عنوان یک جزء مهم از تحصیل دنبال نمایند؛ اما در عمل تعداد دانشجویان درگیر در پژوهش در دانشگاه‌ها به نسبت کل دانشجویان ناچیز است. لذا در این مطالعه به بررسی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه به پژوهش پرداخته‌ایم و ضمن بررسی عوامل دخیل در این موضوع، نتایج این پژوهش را با پژوهشی مشابه در همین دانشگاه در سال ۱۳۷۴ مقایسه نمودیم.

روش مطالعه: این مطالعه تحلیلی مقطعی بر روی ۳۳۵ دانشجوی در حال تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام شد. پس از طراحی پرسشنامه، نمونه‌ها به صورت تصافی طبقه‌بندی شده انتخاب و پرسشنامه تکمیل گردید و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از تست Chi2 در سطح معنی‌داری ۵٪ تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ۸۱/۷٪ دانشجویان به پژوهش علاقمند هستند. اما تنها ۳/۵٪ آن‌ها حداقل در یک پژوهش شرکت داشته‌اند. جنسیت، سن، وضعیت تأهل، رشته و مقطع تحصیلی دانشجویان در علاقمندی آن‌ها به پژوهش مؤثر نبود ($P < 0.05$). اما علاقمندی به پژوهش در دانشجویانی که سابقه شرکت در طرح تحقیقاتی را داشتند، به طور معنی‌داری بالاتر بود ($P < 0.05$). همچنین نتایج مطالعه نشان داد دانشجویان، بزرگترین مانع بر سر مشارکت در طرح‌های تحقیقاتی را حجم زیاد درس‌ها (۶۷/۷٪) و عدم آشنایی با روش تحقیق (۵۱/۸٪) می‌دانند. مهمترین منبع یافتن موضوع پژوهش از دید دانشجویان، اساتید دانشگاه هستند (۳۷/۷٪). دانشجویان همچنین مهم‌ترین راه تشویق خود را به پژوهش، دادن امتیاز ادامه تحصیل به پژوهشگران (۳۶٪) می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که با وجود علاقمندی جمع کثیری از دانشجویان به پژوهش، تنها تعداد اندکی از آن‌ها در طرح‌های تحقیقاتی مشارکت داشته‌اند، قابل توجه‌تر آن‌که این نتایج با یافته‌های مطالعه‌ای در سال ۱۳۷۴ در همین دانشگاه مطابقت دارد و حتی علاقمندی و مشارکت آن‌ها کاهش یافته است. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های پژوهشی دانشگاه در راستای مشارکت دانش‌جویان در پژوهش نیازمند بازنگری است.

کد مقاله: ۵۲۴۶

تبیین رفتارهای فردی مؤثر بر یادگیری در مرکز آموزش مهارت‌های بالینی (CSC) دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

نویسندگان: نسرين فولادی، حسين علی محمدی، فرهاد پورفری، آیتا آذرکلاه

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

مقدمه: دانشجویان پزشکی به عنوان بخش عظیمی از منابع نیروی انسانی سیستم سلامت، در ارتقای سلامت افراد جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. یکی از راه‌های ارائه خدمات سلامت مطلوب، تربیت دانشجویان آزموده است. فرآیند یاددهی، یادگیری فرآیند یک سویه نبوده و در فرایند یادگیری، یادگیرنده در پروسه‌ای قرار می‌گیرد که در بخشهای مختلف آن باید اقدامهای مشخصی را



روش مطالعه: این پژوهش یک مطالعه مقطعی است که پس از تعیین چند مبحث علمی، ابتدا ۵ دانشجوی طی جلسات تربیت مربی آموزش دیده شدند. سپس ۲۰ نفر از دانشجویان اکسترن بطور داوطلبانه در گروه‌های کوچک بصورت Focus group discussion که توسط دانشجویان مربی برگزار شد، تحت آموزش قرار گرفتند. از دانشجویان pretest و posttest که شامل سوالاتی در خصوص آگاهی از مباحث تعیین شده بود، به عمل آمد. بطوریکه اگر دانشجویی به تمام سوالات پاسخ صحیح می‌داد، نمره ۴۰ اخذ می‌کرد. سپس داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شده و نمرات دو آزمون مقایسه شد.

یافته‌ها: میانگین مجموع نمرات مربوط به سئوالات آگاهی در ۱۶ pretest و در ۳۴ posttest بوده است. میانگین افزایش نمره آگاهی در این دو آزمون، ۱۸ (با انحراف معیار ۵/۶) می‌باشد. تمامی دانشجویان ابراز آمادگی کردند که در دوره‌های بعدی نیز شرکت نمایند. مربیان این کارگاهها معتقد هستند که برگزاری این کارگاهها در ارتقا علمی آموزش دهنده و آموزش گیرنده بسیار مؤثر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه بطور دقیقتر در گروه‌های کوچکتر اثربخشی روش آموزش همسان به همسان مورد ارزیابی قرار گرفته است. بطوریکه افزایش قابل توجهی در میزان آگاهی دانشجویان دیده شد. در این راستا مقایسه اثربخشی آموزش درگروه مورد (توسط مربیان دانشجوی) با گروه کنترل (توسط اساتید) در مطالعات بعدی پیشنهاد می‌شود.

کد مقاله: ۵۲۴۸

نقش آموزش الکترونیکی در ارتقای آموزش اساتید

نویسندگان: سید علیرضا منیری، نگار فیروزی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: یکی از وظایف ضروری دولتها بهره مند سازی مردم از دانش و اعتلای توانایی‌های آنان از طریق آموزش می‌باشد. به منظور برطرف ساختن این نیاز در سالیان پیش طرح تلفیق آموزش در وزارت بهداشت و درمان آن را به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مبدل ساخت و وزارت را بر آن داشت تا ضمن فراهم آوردن و تامین بهداشت و درمان کلیه افراد کشور آموزش را بعنوان ضلع سوم وظایف و اولویتها نصب العین خویش قرار دهد و امروز روز با توجه به افزایش حجم مطالب و گستردگی آنها نه تنها به این مهم (آموزش) توجه بیشتری مبذول گردیده، بلکه از ابعاد

انجام دهد و در پایان این فرایند، صلاحیتهای جدیدی را کسب نماید. تعیین این عوامل و توجه به آنها در برنامه‌ریزی آموزشی میتواند اثر بخشی آموزش را اعتلا بخشد، لذا در این مطالعه سعی گردید عوامل فردی مؤثر بر یادگیری مورد بررسی قرار گیرد.

روش مطالعه: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتوی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شد و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاری اطلاعات گردآوری و در مجموع با ۲۳ نفر (۴ نفر مدرس، ۱۰ نفر کارورز، ۹ نفر کارآموز) مصاحبه به عمل آمد.

یافته‌ها: طبق کدهای حاصل از مطالعه رفتارهای فردی مؤثر بر یادگیری در ۲ طبقه شامل: (۱) رفتارهای فردی مربوط به یاد دهنده (۲) رفتارهای فردی مربوط به یادگیرنده طبقه‌بندی شدند. محورهای فرعی مربوط به طبقه اول شامل ارزیابی دانشجو، انگیزش‌زایی در دانشجو توسط استاد، حضور مناسب اساتید و علاقه و رغبت استاد جهت تدریس و کاهش دادن استرس دانشجو، نظارت مستقیم بر یادگیری، به عنوان رفتارهای فردی مربوط به یاددهنده که مؤثر بر یادگیری دانشجویان می‌تواند باشد، بدست آمد. محورهای فرعی مربوط به طبقه دوم (رفتارهای فردی مربوط به یادگیرنده) نیز شامل آمادگی قبلی، تداوم تمرینات، انگیزش برای یادگیری و داشتن خلاقیت در بکارگیری آموخته‌ها می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: اجرای فرایند یاددهی - یادگیری از طریق تعامل مؤثر مربیان لایق و کارآمد با دانشجویان باتوجه به ویژگی‌های مؤثر بدست آمده از تحقیق می‌تواند دانشجویان را قادر سازد تا به اهداف آموزشی در مرکز آموزش مهارت‌های بالینی برسند.

کد مقاله: ۵۲۴۷

آموزش همسان به همسان Education Peer در پزشکی: بکارگیری دانشجویان در امر آموزش

نویسندگان: مینا مقبولی، لیلی مقبولی، فاطمه رنجبر

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: طبق نتایج مطالعات قبلی یک پزشک در حین فراغت از تحصیل در کنار اخذ توانمندی کافی در خصوص patient management باید مهارت لازم در خصوص آموزش پزشکی را نیز دارا باشد. از سویی دیگر آموزش دهنده‌های خوب، آموزش گیرنده‌های خوب نیز هستند و این متد برای آموزش دهندگان نیز مفید خواهد بود. مطالعات مختلف حاکی از cost-effective بودن روش peer education بوده و به این شیوه آموزش تأکید کرده‌اند. هدف از این مطالعه تعیین میزان اثربخشی روش peer education در آموزش پزشکی می‌باشد.



انجام دهد و در پایان این فرایند، صلاحیتهای جدیدی را کسب نماید. تعیین این عوامل و توجه به آنها در برنامه ریزی آموزشی میتواند اثر بخشی آموزش را اعتلا بخشد، لذا در این مطالعه سعی گردید عوامل فردی موثر بر یادگیری مورد بررسی قرار گیرد.

روش مطالعه: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتوی است. برای جمع آوری داده ها از نمونه گیری مبتنی بر هدف استفاده شد و از طریق مصاحبه نیمه ساختاری اطلاعات گردآوری و در مجموع با ۲۳ نفر (۴ نفر مدرس، ۱۰ نفر کارورز، ۹ نفر کارآموز) مصاحبه به عمل آمد.

یافته ها: طبق کدهای حاصل از مطالعه رفتارهای فردی موثر بر یادگیری در ۲ طبقه شامل: ۱) رفتارهای فردی مربوط به یاد دهنده ۲) رفتارهای فردی مربوط به یادگیرنده طبقه بندی شدند. محورهای فرعی مربوط به طبقه اول شامل ارزیابی دانشجوی، انگیزش زایی در دانشجو توسط استاد، حضور مناسب اساتید و علاقه و رغبت استاد جهت تدریس و کاهش دادن استرس دانشجو، نظارت مستقیم بر یادگیری، به عنوان رفتارهای فردی مربوط به یاددهنده که موثر بر یادگیری دانشجویان می تواند باشد، بدست آمد. محورهای فرعی مربوط به طبقه دوم (رفتارهای فردی مربوط به یادگیرنده) نیز شامل آمادگی قبلی، تداوم تمرینات، انگیزش برای یادگیری و داشتن خلاقیت در بکارگیری آموخته ها می باشد.

بحث و نتیجه گیری: اجرای فرایند یاددهی - یادگیری از طریق تعامل موثر مربیان لایق و کارآمد با دانشجویان با توجه به ویژگی های موثر بدست آمده از تحقیق می تواند دانشجویان را قادر سازد تا به اهداف آموزشی در مرکز آموزش مهارتهای بالینی برسند.

کد مقاله: 0۲۴۷

آموزش همسان به همسان Education Peer در پزشکی:
بکارگیری دانشجویان در امر آموزش

نویسندگان: مینا مقبولی، لیلی مقبولی، فاطمه رنجبر

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه: طبق نتایج مطالعات قبلی یک پزشک در حین فراغت از تحصیل در کنار اخذ توانمندی کافی در خصوص patient management باید مهارت لازم در خصوص آموزش پزشکی را نیز دارا باشد. از سویی دیگر آموزش دهنده های خوب، آموزش گیرنده های خوب نیز هستند و این متد برای آموزش دهندگان نیز مفید خواهد بود. مطالعات مختلف حاکی از cost-effective بودن روش peer education بوده و به این شیوه آموزش تاکید کرده اند. هدف از این مطالعه تعیین میزان اثربخشی روش peer education در آموزش پزشکی می باشد.

روش مطالعه: این پژوهش یک مطالعه مقطعی است که پس از تعیین چند مبحث علمی، ابتدا ۵ دانشجوی طی جلسات تربیت مربی آموزش دیده شدند. سپس ۲۰ نفر از دانشجویان اکسترن بطور داوطلبانه در گروه های کوچک بصورت Focus group discussion که توسط دانشجویان مربی برگزار شد، تحت آموزش قرار گرفتند. از دانشجویان pretest و posttest که شامل سوالاتی در خصوص آگاهی از مباحث تعیین شده بود، به عمل آمد. بطوریکه اگر دانشجویی به تمام سوالات پاسخ صحیح می داد، نمره ۴۰ اخذ می کرد. سپس داده ها وارد نرم افزار SPSS شده و نمرات دو آزمون مقایسه شد.

یافته ها: میانگین مجموع نمرات مربوط به سئوالات آگاهی در ۱۶ pretest و در ۳۴ posttest بوده است. میانگین افزایش نمره آگاهی در این دو آزمون، ۱۸ (با انحراف معیار ۵/۶) می باشد. تمامی دانشجویان ابراز آمادگی کردند که در دوره های بعدی نیز شرکت نمایند. مربیان این کارگاهها معتقد هستند که برگزاری این کارگاهها در ارتقا علمی آموزش دهنده و آموزش گیرنده بسیار موثر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه بطور دقیقتر در گروه های کوچکتر اثربخشی روش آموزش همسان به همسان مورد ارزیابی قرار گرفته است. بطوریکه افزایش قابل توجهی در میزان آگاهی دانشجویان دیده شد. در این راستا مقایسه اثربخشی آموزش در گروه مورد (توسط مربیان دانشجو) با گروه کنترل (توسط اساتید) در مطالعات بعدی پیشنهاد می شود.

کد مقاله: 0۲۴۸

نقش آموزش الکترونیکی در ارتقای آموزش اساتید

نویسندگان: سید علیرضا منیری، نگار فیروزی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: یکی از وظایف ضروری دولتها بهره مند سازی مردم از دانش و اعتلای توانایی های آنان از طریق آموزش می باشد. به منظور بر طرف ساختن این نیاز در سالیان پیش طرح تلفیق آموزش در وزارت بهداشت و درمان آن را به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مبدل ساخت و وزارت را بر آن داشت تا ضمن فراهم آوردن و تامین بهداشت و درمان کلیه افراد کشور آموزش را بعنوان ضلع سوم وظایف و اولویتها نصب العین خویش قرار دهد و امروز روز با توجه به افزایش حجم مطالب و گستردگی آنها نه تنها به این مهم (آموزش) توجه بیشتری مبذول گردیده، بلکه از ابعاد